



تأملاتی در

برهان ابن سینا، دکارت و سوئینبرن بر اصالت نفس

حسینعلی شیدان‌شید، علی شیروانی
و همکاران



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۴۰۳

شیدان‌شید، حسینعلی، ۱۳۴۳-
 تأملاتی در برهان ابن‌سینا، دکارت، و سوئینبرن بر اصالت نفس / مؤلفان حسینعلی شیدان‌شید... [و دیگران]
 - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۳.
 دوازده، ۳۹۵ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۷۴۱؛ فلسفه و کلام: ۲۷)
 بها: ۳۲۶۰۰۰۰ ریال
 ISBN: 978-600-298-536-1
 فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
 مؤلفان حسینعلی شیدان‌شید، علی شیروانی، مهدی ذاکری، محمدعلی عبداللّهی، محمد فتحعلی‌خانی، عبدالرسول
 عبودیت، سیدمحمد منافیان و محمدهادی توگلی
 کتابنامه: ص. [۳۷۵-۳۸۸]. نمایه
 ۱. خود (فلسفه). ۲. Self (Philosophy). ۳. ابن‌سینا، حسین‌بن‌عبدالله، ۳۷۰-۴۲۸ ق. - نقد و تفسیر.
 ۴. Avicenna -- Criticism and interpretation. ۵. دکارت، رنه، ۱۵۹۶-۱۶۵۰ م. - نقد و تفسیر.
 ۶. Descartes, Rene -- Criticism and interpretation. ۷. سوئینبرن، ریچارد، ۱۹۳۴- م. - نقد و تفسیر.
 ۸. Swinburne, Richard -- Criticism and interpretation. الف. شیدان‌شید، حسینعلی، ۱۳۴۳-.
 ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 BD۴۵۰ ۱۲۶
 شماره کتابشناسی ملی
 ۹۸۲۴۵۲۱



تأملاتی در برهان ابن‌سینا، دکارت و سوئینبرن بر اصالت نفس

مؤلفان: حسینعلی شیدان‌شید، علی شیروانی، مهدی ذاکری، محمدعلی عبداللّهی، محمد فتحعلی‌خانی،
 عبدالرسول عبودیت، سیدمحمد منافیان و محمدهادی توگلی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۳

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۳۲۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۵۳۶-۱

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

info@rihu.ac.ir

www.rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: https://shop.rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمه‌الله، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن

فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۷۴۰ عنوان کتاب و ۹ نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به‌عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته فلسفه و فلسفه اسلامی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در درس‌های علم النفس، فلسفه دکارت، و علم النفس تطبیقی، و نیز دیگر پژوهندگان و علاقه‌مندان مباحث فلسفی قابل استفاده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های پدیدآورندگان محترم اثر، دکتر حسینعلی شیدان‌شید و دکتر علی شیروانی سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
ساختار کتاب	۶
سپاس	۹

بخش اول

فصل اول: برهان‌های دکارت بر دوگانه‌انگاری جوهری	۱۳
کیث مَسْلین؛ تلخیص علی شیروانی	

۱. دوگانه‌انگاری جوهری و دوگانه‌انگاری ویژگی‌ها	۱۴
۲. دوگانه‌انگاری افلاطونی	۱۵
۳. استدلال افلاطون برای دوگانه‌انگاری	۱۶
۴. دوگانه‌انگاری دکارتی	۱۹
۵. استدلال‌های دکارت برای دوگانه‌انگاری	۲۲
۵-۱. استدلال شک	۲۳
۵-۲. استدلال ادراک واضح و متمایز	۲۶
۵-۳. استدلال تقسیم‌پذیری	۲۸

فصل دوم: استدلالی دکارتی برای دوگانه‌انگاری جوهری..... ۳۱

ریچارد سوئینبرن؛ ترجمه مهدی ذاکری

۱. استدلال تصویری و اشکال مشهور آن..... ۳۲
- ۱-۱. مقدمه..... ۳۲
- ۲-۱. استدلال دکارت..... ۳۳
- ۳-۱. اصلاح استدلال دکارت..... ۳۷
- ۴-۱. اشکال مشترک استدلال دکارت و روایت اصلاح شده آن..... ۳۹
۲. اقسام دال و ارتباط آنها با اشکال استدلال دکارتی..... ۴۰
- ۱-۲. نحوه معرفت به معنای دال..... ۴۰
- ۲-۲. معنای دال و محکمی دال..... ۴۳
- ۳-۲. دال غیراطلاع بخش..... ۴۵
- ۴-۲. دال غیراطلاع بخش سمعی..... ۴۷
۳. دال‌های حاکی از تجربه‌های آگاهانه..... ۵۰
۴. دال‌های حاکی از اشخاص..... ۵۶
- ۴-۱. نحوه دلالت «من» بر محکمی خود..... ۵۶
- ۴-۲. نحوه دلالت اسامی اشخاص بر محکمی خود..... ۵۸
۵. نتیجه..... ۵۹

بخش دوم

فصل سوم: گزارش وینار نخست: تقریری نوین از برهان دکارت بر اصالت نفس... ۶۳

تهیه و تنظیم محمدحسین مرادی‌نسب، حسینعلی شیدان‌شید

- زندگی‌نامه سوئینبرن..... ۶۴
- دیدگاه سوئینبرن درباره برهان دکارت و اصلاح آن..... ۷۰
- قابل مقایسه بودن برهان تصویری با برهان انسان معلق در فضا..... ۷۷
- سه پرسش درباره دیدگاه سوئینبرن..... ۷۸
- اشکالی بر دفاع سوئینبرن..... ۸۱
- سه نکته درباره اهمیت بحث سوئینبرن و ویژگی‌های آن..... ۸۵

فصل چهارم: ملاحظاتى دربارهٔ دفاع سوئینبرن از استدلال دکارت ۸۹

محمدعلی عبداللّهی

- استدلال دکارت..... ۹۰
- اشکال سوئینبرن بر استدلال دکارت..... ۹۲
- تقریر اصلاح‌شدهٔ سوئینبرن از استدلال دکارت..... ۹۳
- نقد و بررسی استدلال اصلاح‌شدهٔ سوئینبرن..... ۹۵
- اشکال فیلسوفان معاصر بر استدلال دکارت و پاسخ سوئینبرن به آن..... ۹۷
- پاسخ سوئینبرن به اشکال فیلسوفان معاصر..... ۹۸
- نقد و بررسی پاسخ سوئینبرن..... ۱۰۱

فصل پنجم: نقدى بر دفاع سوئینبرن از استدلال دکارت برای دوگانه‌انگارى

جوهرى..... ۱۰۷

مهدى ذاکرى

- مقدمه..... ۱۰۸
- اشکال استدلال دکارت و پاسخ سوئینبرن..... ۱۰۸
- نقد پاسخ سوئینبرن..... ۱۰۹
- کامل نبودن معرفت ما دربارهٔ محکّی «من»..... ۱۰۹
- خلط دو نوع معرفت..... ۱۱۱

فصل ششم: برهان تصوّرپذیری و چالش جدلی الطرفین بودن اثبات نفّس..... ۱۱۵

محمد فتحعلی‌خانی

- صورتبندی سوئینبرن از استدلال دکارت..... ۱۱۶
- استدلال اصلاح‌شدهٔ دکارت توسط سوئینبرن..... ۱۲۱

بخش سوم

فصل هفتم: گزارش وینار دوم: نقد و بررسی تقریر سوئینبرن از برهان دکارت بر اصالت نفس و مقایسه آن با برهان «انسان معلق در فضا» ی ابن سینا..... ۱۲۹
تهیه و تنظیم محمدحسین مرادی نسب، حسینعلی شیدان شید

ارتباط بدن و اندیشیدن..... ۱۳۴
برهان انسان معلق در فضای ابن سینا و مقایسه آن با برهان دکارت..... ۱۳۶
اشکال فیزیکیالیست‌ها..... ۱۳۸
مزیت برهان ابن سینا بر برهان دکارت و تقریری از برهان ابن سینا..... ۱۳۹
قرابت دیدگاه‌های سوئینبرن با فلسفه اسلامی..... ۱۴۰

فصل هشتم: بررسی تقریر نوین سوئینبرن از برهان دکارت بر اصالت نفس و بازسازی آن براساس برهان «انسان معلق در فضا» ی ابن سینا..... ۱۴۳
علی شیروانی

بررسی تقریر نوین سوئینبرن از برهان دکارت..... ۱۴۴
برهان انسان معلق در فضای ابن سینا..... ۱۴۷
چند نکته درباره برهان انسان معلق در فضای ابن سینا..... ۱۵۰
بازسازی تقریر نوین سوئینبرن از برهان دکارت بر اصالت نفس با الهام از استدلال «انسان معلق در فضا» ی ابن سینا..... ۱۵۴
نتیجه..... ۱۵۹

فصل نهم: اثبات وجود نفس با برهان انسان معلق در فضا..... ۱۶۱
عبدالرسول عبودیت

مقدمه..... ۱۶۱
تصویر موقعیت فرضی انسان معلق..... ۱۶۲

انسان معلق: غافل از بدن، آگاه از خود.....	۱۶۳
درک نفس در وضعیت عادی.....	۱۶۵

فصل دهم: برهان انسان معلق در فضا در اُضحویّه..... ۱۶۷

حسینعلی شیدان‌شید، علی شیروانی

مقدمه.....	۱۶۸
استدلال ابن‌سینا در اُضحویّه.....	۱۷۰
دست‌آورد استدلال ابن‌سینا.....	۱۷۳
ربط‌ونسب استدلال ابن‌سینا در اُضحویّه با برهان انسان معلق در فضا.....	۱۷۵
تقریرهای گوناگون ابن‌سینا از برهان انسان معلق در فضا.....	۱۷۹
۱. اُضحویّه.....	۱۸۰
۲. نفس شفاء.....	۱۸۱
۳. حکمت مشرقیه.....	۱۸۶
۴. اشارات و تنبیهات.....	۱۸۷
۵. مباحثات.....	۱۸۸
مقایسه تقریر اُضحویّه با تقریرهای دیگر.....	۱۹۰
نقد یک تحلیل متفاوت.....	۱۹۶
اعتنای متفکران اسلامی و غربی به برهان انسان معلق در فضا.....	۲۰۳
تأثیرپذیری و الهام‌بخشی.....	۲۰۹

فصل یازدهم: برهان انسان معلق در فضا در اشارات و تنبیهات..... ۲۱۵

سیدمحمد منافیان

۱. نشانه‌ای بر وجود نفس انسانی.....	۲۱۵
۲. ادراک بی‌واسطه ذات.....	۲۱۸
۳. ذات نامحسوس آدمی.....	۲۲۰
۴. امتناع اثبات ذات با وساطت کارهای او.....	۲۲۴

فصل دوازدهم: برهانِ انسانِ معلق در فضا در مباحثات..... ۲۲۹

حسینعلی شیدان‌شید، علی شیروانی

مقدمه.....	۲۳۰
مخالفت ابوالقاسم کرمانی با برهان انسانِ معلق و واکنش ابن‌سینا.....	۲۳۳
وجه تنبیهی بودن برهان انسانِ معلق.....	۲۳۵
راز تفاوت افراد در پذیرش برهان انسانِ معلق.....	۲۳۶
استدلال ابن‌سینا بر اثبات نفس در مباحثات.....	۲۳۹
آیا «ذات» یا «خود» آدمی همان بدن یا جزئی از آن است؟.....	۲۴۱
خودآگاهی حسی است یا استدلالی؟.....	۲۴۳
اشکال‌های ابوالقاسم کرمانی و پاسخ‌های ابن‌سینا.....	۲۴۷
اشکال نخست: عدم خودآگاهی خُفتگان.....	۲۴۷
اشکال دوم: لزوم تخیل اعضای بدن برای خودآگاهی.....	۲۴۹
اشکال سوم: احساس شدن هوا در هر حال.....	۲۵۲
مقایسه با دیگر تقریرها.....	۲۵۴
ربط و نسبت خودآگاهی با قوای ادراکی آدمی.....	۲۶۲
ابهام‌ها و ناسازگاری‌ها.....	۲۶۶
۱. حسی یا استدلالی بودنِ خودآگاهی.....	۲۶۶
۲. ادراکِ امور جزئی مجزّد توسط عقل.....	۲۶۷
۳. تعقل بودنِ خودآگاهی.....	۲۷۰
۴. استدلال بر تجرّد نفس با تمسّک به خودآگاهی.....	۲۷۱
۴-۱. آگاهی بی‌واسطهٔ نفس از خود.....	۲۷۴
۴-۲. عدم کفایت واسطه برای خودآگاهی.....	۲۷۶
۴-۳. عدم کفایتِ «حصولِ اثرِ ذات» برای خودآگاهی.....	۲۷۷
۵. نفس ادراک‌کنندهٔ خودآگاهی.....	۲۷۸
نقد و بررسی.....	۲۷۸
خودآگاهی چگونه ادراکی است؟.....	۲۸۳
ابن‌سینا و خودآگاهی.....	۲۸۴
ابهام‌ها و ناسازگاری‌ها.....	۲۸۸
۱. تصوّر یا انتقاشِ ذات.....	۲۸۹

۲۹۰	۲. تعریف ادراک.....
۲۹۱	۳. تقسیم علم به تصوّر و تصدیق.....
۲۹۱	۴. تقسیم علم به بدیهی و نظری.....
۲۹۳	۵. تجرید معنایی کلی از ذات.....
۲۹۴	۶. عدم حصول دوباره ذات برای ذات.....
۲۹۷	۷. تفاوت ادراک ذات و ادراک دیگر امور.....
۲۹۹	۸. دو نوع ادراک ذات.....
۳۰۰	نقد و بررسی.....
۳۰۴	پاره‌ای از اشکال‌های برهان انسان معلق در فضا.....

فصل سیزدهم: برهان انسان معلق در فضا: پیشینه و نقد..... ۳۱۱

محمد‌هادی توکلی

۳۱۲	الف. بررسی تاریخ فلسفی مسئله تمایز خود از بدن.....
۳۱۲	تمایز خود از بدن در بودیسم.....
۳۱۳	تمایز خود از بدن در فلسفه اسکندرانی.....
۳۱۴	«انسان پرنده» ابوالحسن عامری و «انسان معلق در فضا» ی ابن‌سینا.....
۳۱۵	ب. استدلال ابن‌سینا.....
۳۱۸	نقد استدلال.....

فصل چهاردهم: مزیت استدلال تصوّرپذیری سینوی بر استدلال دکارتی برای دوگانه‌انگاری..... ۳۲۱

مهدی ذاکری

۳۲۳	خودآگاهی.....
۳۲۵	خودآگاهی در استدلال ابن‌سینا.....

۳۲۷	پیوست‌ها/ Appendices
Appendix One: A Cartesian Argument for Substance Dualism	329
Richard Swinburne	
Appendix Two: Notes on A Cartesian Argument for Substance Dualism	361
Richard Swinburne	
Appendix Three: Richard Swinburne: Short Intellectual Autobiography	367
Appendix Four: Shirvani's Argument	371
Ali Shirvani; Traslated by H. Shidanshid	
۳۷۵	منابع
۳۸۹	نمایه

مقدمه

در تیرماه سال ۱۴۰۰، دو وینار بین‌المللی با حضور پروفسور ریچارد سونینبرن^۱، فیلسوف دین معاصر و تنی چند از متخصصان مباحث فلسفه و کلام، به همت گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، یکی با عنوان «تقریری نوین از برهان دکارت بر اصالت نفس»^۲ (۱۶ تیرماه) و دیگری با عنوان «نقد و بررسی تقریر سونینبرن از برهان دکارت بر اصالت نفس و مقایسه آن با برهان "انسان معلق در فضا"ی ابن‌سینا»^۳ (۲۳ تیرماه) برگزار شد و عملاً به سمت بحثی مقایسه‌ای و تطبیقی بین فلسفه غرب و فلسفه اسلامی سوق یافت. مقصود از «اصالت نفس» در عنوان این دو وینار – و نیز در مباحث این دفتر – این است که انسان بودن انسان به نفس اوست نه به بدن او. به تعبیر دیگر، حقیقت

1. Richard Swinburne

2. 'A New Version of Descartes's Argument for the Principality of the Soul'

3. 'A Review of Swinburne's Version of Descartes's Argument for the Principality of the Soul and Its Comparison with Avicenna's "Flying Man" Argument'

۲ تأملاتی در برهان ابن سینا، دکارت، و سوئینبرن بر اصالت نفس

آدمی نفس است نه بدن. پیداست که براساس این دیدگاه، اولاً نفس چیزی است غیر از بدن و ثانیاً آنچه در آدمی اصل است همانا نفس است.^۱ براساس این معنا، کسانی چون ابن سینا و دکارت و سوئینبرن را می توان از قائلان به «اصالت نفس» به شمار آورد.

ریچارد سوئینبرن^۲ (۱۹۳۴-)، فیلسوف عقلگرای خداپاور، اهل بریتانیا و استاد بازنشسته دانشگاه آکسفورد و یکی از مشهورترین فیلسوفان دین معاصر است. وی که تحصیلات خود را در رشته فلسفه و الهیات به پایان رسانده، در زمینه تاریخ علم و فلسفه علم نیز مطالعه کرده و کتاب نوشته، اما سپس حوزه مطالعاتی خود را به فلسفه دین تغییر داده است. او در آثار خویش کوشیده با استفاده از مبانی و روش های نوین علوم تجربی، از خداپاوری دفاع کند. سوئینبرن در اوایل دهه ۱۹۸۰، به مباحث رابطه نفس و بدن پرداخت و در سال ۱۹۸۴ این همانی

۱. بنابراین، می توان گفت: «اصالت» (که در لغت به معنای ریشه دار بودن و ثبات و استحکام است) در اینجا - چنان که در مباحثی همانند اصالت وجود (ر.ک: قیاضی، ۱۳۸۷، ص ۲۱) - به معنای «بالذات بودن» است: نفس آدمی انسان است بالذات، اما بدن او انسان است بالعرض. به تعبیر فنی، اسناد انسانیّت به نفس انسان اسنادی حقیقی (اسناد «الی ما هو له» یا حقیقت عقلی) است، اما اسناد انسانیّت به بدن انسان اسنادی است مجازی (اسناد «الی غیر ما هو له» یا مجاز عقلی)؛ چنان که براساس نظریه اصالت وجود، اسناد موجودیّت و تحقق به وجود اسنادی حقیقی، ولی اسناد آن به ماهیّت اسنادی مجازی است.

توضیح آنکه اسناد وقتی حقیقی است که محمولی که به موضوعی نسبت می دهیم واقعاً از آن خود موضوع باشد، و به تعبیر دیگر، «واسطه در غروض» نداشته باشد، و آن هنگام مجازی است که محمولی که به موضوع نسبت می دهیم واقعاً از آن خود موضوع نباشد؛ بلکه از آن چیزی دیگر (واسطه) باشد، ولی به سبب ارتباطی که آن چیز (واسطه) با موضوع دارد، محمول را مجازاً به آن موضوع هم نسبت دهیم. انسانیّت را از آن رو به بدن نسبت می دهیم که چیزی که حقیقتاً انسان است (نفس) با بدن ارتباط دارد.

۲. تفصیل زندگینامه سوئینبرن در «گزارش وینار نخست» خواهد آمد.

شخصی^۱ را با همکاری سیدنی شومیکر^۲ منتشر کرد. کتاب دیگر وی در این زمینه ذهن، مغز، و اختیار^۳ (۲۰۱۳)، و آخرین اثر وی در این حوزه کتابی است با عنوان ما نفسیم یا بدن؟^۴ (۲۰۱۹) که بحث وی در این وینار در واقع، برگرفته از آن است. فلسفه‌دانان ایرانی شرکت‌کننده در این وینار نیز به ترتیب حروف الفبا عبارت‌اند از: محمدجواد اصغری، عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)؛ محمد جاودان، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب؛ مهدی ذاکری، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران (پردیس فارابی)؛ حسینعلی شیدان‌شید، عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ محمدعلی عبداللّهی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران (پردیس فارابی)؛ عبدالرسول عبودیّت، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (علیه السلام)؛ و محمد فتحعلی‌خانی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

موضوع این دو وینار – نفس انسان و اصالت آن – موضوعی اساسی در مباحث فلسفه و کلام، و نتایج حاصل از بررسی آن در دیگر مباحث این دو علم، از جمله در بحث معاد و کیفیت آن، سخت تأثیرگذار است. به علاوه، این بحث با دیگر علوم انسانی ارتباطی آشکار دارد؛ زیرا اتخاذ موضع عالمان هر یک از علوم انسانی در بحث یادشده بخشی از مبانی انسان‌شناختی آن علم را تعیین می‌بخشد و در مسائل آن علم تأثیر مستقیم می‌نهد. بنابراین، لزوم پرداختن به این مباحث

-
1. *Personal Identity*
 2. Sydney Shoemaker
 3. *Mind, Brain, and Free Will*
 4. *Are we bodies or souls?*

۴ تأملاتی در برهان ابن سینا، دکارت، و سوئینبرن بر اصالت نفس

خودبه خود روشن است؛ و وقتی که این کار به شکل بحثی مقایسه‌ای و تطبیقی بین فلسفه غرب و فلسفه اسلامی درآید، اهمیت آن دوچندان می‌شود. ازاین‌رو، انتشار مباحث به میان آمده در این وینارها امر مفیدی به نظر رسید.

ازاین گذشته، برگزاری این دو وینار، افزون بر دستاوردهای علمی، تجربه‌ها و فواید دیگری نیز برای دست‌اندرکاران و شرکت‌کنندگان آن فراهم آورد که به نظر رسید انتقال آنها به دیگر مراکز علمی و فرهنگی، برای بهره بردن بیشتر از چنین نشست‌هایی، مفید تواند بود. این تجربه‌ها و فواید به اجمال عبارت‌اند از:

۱. ارتباط مستقیم با اندیشمندان مهم جهان در موضوع مورد نظر و آشنایی با آخرین دست‌آوردهای علمی ایشان: محور بحث‌ها در این دو وینار، آخرین دیدگاه‌ها و نوآوری‌های سوئینبرن در بحث اصالت نفس و تجرد و استقلال آن از بدن، و به طور خاص، ارائه برهانی جدید بر اصالت نفس، بر پایه یکی از براهین دکارت بر اصالت نفس، و پاسخ به یکی از اشکال‌های وارد شده بر آن بود.

۲. آشنا شدن متفکران برجسته غربی با میراث فکری و فرهنگی اسلامی – ایرانی: در ضمن این گفت‌وگوها سوئینبرن با استدلال ابتکاری ابن سینا، «انسان معلق در فضا»، آشنا شد.^۱

۳. زمینه‌سازی مناسب برای برگزاری نشست‌های علمی تأثیر چشم‌گیری در افزایش بهره‌وری آن دارد: پیش از نشست نخست، که سوئینبرن سخنران و ارائه‌دهنده اصلی بحث بود، از ایشان خواسته شد مطالب خود را به صورت مکتوب در اختیار ما قرار دهد تا شرکت‌کنندگان با مطالعه و تأمل قبلی، نقدها و ملاحظات خود را در

۱. البته – چنان که در این دفتر نیز اشاره خواهد شد – برخی نیز برآن‌اند که آنچه دکارت در باب اثبات دوگانه‌انگاری و اثبات اصالت نفس آورده به نحوی متأثر از نوشته‌های ابن سینا و به ویژه استدلال انسان معلق در فضای او بوده است.

جلسه مطرح کنند. ایشان هم مقاله‌ای مشتمل بر مباحث موردنظر خود فراهم آورد و هم خلاصه آن را برای ما ارسال کرد. این دو متن در اختیار افراد موردنظر قرار گرفت و ترجمه آن نیز برای استفاده شرکت‌کنندگان در فضای مجازی، بر روی وبگاه پژوهشگاه حوزه و دانشگاه بارگذاری شد. همین امر باعث گردید مطالب مطرح شده از سوی ناقدان ایرانی، سنجیده‌تر باشد، هرچند به دلیل کمی فرصت و محدود بودن زمان وینار، نقدها آن‌گونه که باید به سوئینبرن منتقل نشد و ازاین‌رو، پاره‌ای از پاسخ‌های ایشان برای ناقدان قانع‌کننده نبود. ازاین‌رو، برای جلسه دوم وینار، نقد و نظرهای یکی از ناقدان (علی شیروانی) از قبل در اختیار سوئینبرن گذارده شد که مورد توجه ایشان قرار گرفت؛ و گفت‌وگوهای صورت گرفته برای هر دو طرف مفید افتاد. حاصل آنکه در این‌گونه نشست‌ها، «پیش‌مطالعه» آنچه گوینده درصدد طرح آن است و تأمل در آن به افزایش بهره‌وری علمی و پیشرفت بحث و گفت‌وگو مدد می‌رساند.

۴. برگزاری «پیش‌جلسه»: پیش از هر وینار: افراد شرکت‌کننده در جلسه‌ای به بحث و گفت‌وگو درباره موضوع وینار پرداختند که در طی آن مطالب مفید و تازه‌ای پیش کشیده شد.

۵. تشکیل گروه در فضای مجازی: در طی برگزاری این دو وینار و قبل و بعد از آن، در گروهی که در فضای مجازی تشکیل شد، افزون‌بر سخنرانان، استادان دیگری که به‌نحوی علاقه‌مند به موضوع بحث بودند، درباره موضوع وینار گفت‌وگو کردند. در ضمن این گفت‌وگوها، نکاتی ارائه شد که برای پیشرفت بحث بسیار مفید بود.

به‌هرحال، دفتر حاضر برای گزارش محتوای این دو نشست علمی در نظر گرفته شد؛ اما از آنجاکه در چنین نشست‌هایی، معمولاً مجال کافی برای پیش کشیدن

مسائل به نحو وافی وجود ندارد، دنبال کردن بیشتر این موضوع و تحلیل و بررسی مباحث یادشده لازم می‌نمود. از این رو، از شرکت کنندگان و بینار و برخی از محققان دیگر خواستیم دیدگاه‌ها و نکته‌های مورد نظر خود را در این زمینه قلمی کنند و در اختیار ما بگذارند. خود نیز کوشیدیم مطالب دیگری را که در تکمیل و توضیح مباحث پیش کشیده شده به کار می‌آید بر آن بیفزاییم مگر بستی برای توجه بیشتر به این مسئله فراهم آید. به هر حال، حاصل کار کتابی است مشتمل بر سه بخش:

ساختار کتاب

بخش نخست کتاب نوعی زمینه‌سازی و ایجاد آمادگی برای پی‌گرفتن مباحث این کتاب است. از آنجاکه بحث اصلی سوئینبرن تنها در باب برهان تصوّرپذیری، یعنی فقط یکی از برهان‌هایی است که دکارت برای اصالت نفس و دوگانه‌انگاری جوهری مورد نظر خود آورده است، در فصل اول، برای آشنایی اجمالی خوانندگان با براهین دیگر دکارت و روشن شدن جایگاه برهان تصوّرپذیری در میان آنها، گزارشی کوتاه از سه برهان دیگر او و نیز پیشینه تاریخی دوگانه‌انگاری جوهری به دست داده شده است. در فصل دوم، بحث اصلی سوئینبرن و ادعاهای او درباره برهان تصوّرپذیری به قلم خود وی آمده است. وی برهان دکارت را شرح می‌کند، برای جبران نقص آن، تقریر جدیدی از آن به دست می‌دهد، و به اشکالی که به آن کرده‌اند پاسخ می‌گوید.

بخش دوم با فصل سوم، یعنی گزارش و بینار نخست آغاز می‌شود. هدف از برگزاری این وینار، چنان‌که از عنوان آن برمی‌آید، معرفی تقریر جدید سوئینبرن از برهان دکارت بر اصالت نفس و بررسی آن بوده است. زندگینامه علمی سوئینبرن،

سخنان وی دربارهٔ برهان تصوّرپذیری و ادّعاهای وی در این زمینه، و نکته‌هایی که دیگر شرکت‌کنندگان در مورد سخنان وی داشته‌اند و نیز پاسخ او به آن نکته‌ها در این گزارش آمده است.^۱ فصل‌های سه‌گانهٔ بعد هم ناظر به مطالبی است که سوئینبرن در این وینار به میان آورده است: در فصل چهارم، هم تقریر جدید سوئینبرن و هم دفاعی که او از برهان دکارت و تقریر خودش کرده است، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. فصل پنجم نیز نقد دفاع سوئینبرن است؛ و فصل ششم به تحلیل و بررسی دو مرحله از مراحل سه‌گانهٔ کار سوئینبرن (گزارش برهان دکارت، اصلاح آن، و دفاع از آن) اختصاص دارد. اگرچه به پاره‌ای از نکاتی که در این سه فصل آمده در ضمن وینار نیز به اجمال اشاره شده، آن نکات در این فصل‌ها مشروح‌تر و کامل‌تر بیان شده‌اند.

بخش سوم مربوط است به مباحث به میان آمده در وینار دوم، یعنی نقد و بررسی تقریر سوئینبرن از برهان دکارت بر اصالت نفّس و مقایسهٔ آن با برهان انسان معلق در فضای ابن‌سینا. گزارش این وینار در فصل هفتم می‌آید. فصل هشتم بررسی تقریر نوین سوئینبرن از برهان دکارت است و معرفی برهان «انسان معلق در فضا»ی ابن‌سینا آن‌گونه که در طبیعیات شفا بیان شده است و نیز پیشنهاد برهانی بر پایهٔ برهان ابن‌سینا. در فصل نهم، براساس آنچه ابن‌سینا در مواضع متعدّد آثار خود دربارهٔ برهان انسان معلق در فضا گفته است، تقریری روان از این برهان به دست داده می‌شود. فصل دهم به بررسی و پیگیری برهان انسان معلق در فضا در رسالهٔ اَضْحَوِیَّة، از آثار نخستین یا میانی ابن‌سینا و نیز مقایسهٔ آن با تقریرهای دیگر او،

۱. یکی از نکاتی که در این وینار به میان آمد شباهت برهان دکارت با برهان انسان معلق در فضای ابن‌سینا بود که سبب شد در وینار دوم معرفی برهان ابن‌سینا و مقایسهٔ آن با برهان دکارت موضوع بحث قرار گیرد.

۸ تأملاتی در برهان ابن سینا، دکارت، و سوئینبرن بر اصالت نفس

ربط و نسبت آن با «کوگیتو»ی دکارت، و اشاره به تأثیر این برهان در اندیشمندان اسلامی و غربی اختصاص دارد، و فصل یازدهم به شرح و توضیح تقریر وی از این برهان آن گونه که در طی چهار فصل از کتاب اشارات و تنبیهات ابن سینا آمده می‌پردازد. در فصل دوازدهم، تقریری که ابن سینا در کتاب مباحثات آورده و ظاهراً آخرین تقریر این برهان است، شرح و بررسی شده و نیز حضوری یا حصولی بودن خودآگاهی انسان معلق و اینکه کدام قوه ادراک کننده‌ای متصدی این خودآگاهی است محل بحث قرار گرفته است. بدین سان، سعی شده است همه تقریرها و بیان‌های مختلف ابن سینا در آثار گوناگون او، هم جداگانه و هم روی هم رفته، مورد توجه واقع گردد و توضیح داده شود.^۱ در فصل سیزدهم، درباره سابقه برهان ابن سینا و نیز تمام یا ناتمام بودن این برهان بحث می‌شود و در فصل چهاردهم، با اشاره به اینکه برهان ابن سینا مبتنی بر «خودآگاهی» است نه «مطلق آگاهی»، مزیت برهان سینوی بر برهان دکارتی ادعا می‌شود.

در پایان، برای کسانی که علاقه‌مند به دیدن اصل مقاله سوئینبرن و مقابله آن با ترجمه فارسی، و نیز پیگیری اصطلاحات علمی در زبان انگلیسی‌اند، چهار نوشتار انگلیسی نیز تحت عنوان «پیوست‌ها»، به دفتر حاضر ضمیمه شده است: ۱. مقاله ارسالی سوئینبرن درباره برهانی دکارتی برای دوگانه‌انگاری جوهری که ترجمه آن – چنان که گفته شد – در فصل دوم آمده است؛ ۲. خلاصه همین مقاله به قلم سوئینبرن که ترجمه آن در ضمن گزارش وینار نخست، در قسمت «دیدگاه

۱. اهتمام به پرداختن تفصیلی به تقریرهای برهان انسان معلق به سبب ظرفیتی است که از ابعاد و جنبه‌های مختلف، در این برهان، برای پیگیری مباحث گوناگون، از جمله مسائل مربوط به نفس و معرفت و خودآگاهی وجود دارد. پژوهش‌های متعددی که در غرب در باب این برهان تحقق یافته است تا حد فراوانی نشان‌دهنده این ظرفیت است.

سوئینبرن دربارهٔ برهان دکارت و اصلاح آن» گنجانده شده است؛ ۳. زندگینامهٔ علمی وی که محتوای آن نیز در گزارش وینار نخست، در قسمت «زندگینامهٔ سوئینبرن» بیان شده است؛ و ۴. ترجمهٔ انگلیسیِ برهان پیشنهادی علی شیروانی بر پایهٔ برهان ابن سینا که پیش از وینار دوم برای سوئینبرن ارسال شد و متن اصلی آن در گزارش وینار دوم (فصل هفتم) تحت دو عنوان «اشکال‌های باقیمانده در برهان سوئینبرن» و «برهانی بر وجود نفس مبتنی بر سخن ابن سینا» آمده است.

چنان‌که کمابیش از عناوین فصل‌ها و ترتیب آنها برمی‌آید، مقصود آن است که گامی برای معرفی و بررسی برهان دکارتی بر اصالت نفس و تقریر سوئینبرن از آن از یک سو، و برهان سینویِ انسان معلق در فضا از سوی دیگر، و مقایسهٔ آن دو به منظور باز شدن راهی برای تعامل دیدگاه‌های فلسفهٔ غربی و اسلامی در این زمینه برداشته شود؛ و در این جهت، بر دیدگاه خاصی تأکید نرفته است. وجود آرای مختلف در گفتارهای کتاب – که چه بسا برخی از آنها قابل تأمل نیز باشد – همین نکته را نشان می‌دهد.

از آنجا که گفتارهای موجود در این دفتر همه ناظر به موضوعی مشترک‌اند، طبیعتاً برخی از مطالب در آنها تکرار شده است که البته معمولاً گزیری از آن نیست؛ زیرا ذکر آن مطالب برای پیش بردن بحث لازم می‌نماید. افزون‌براین، گاه گفته شدن مطلبی به بیان‌های مختلف و از دیدگاه‌های متفاوت به روشن‌تر شدن آن مطلب می‌انجامد.

سپاس

در اینجا بر خود لازم می‌دانیم از همهٔ بزرگوارانی که به‌نحوی در برگزاری این وینارها همراهی و مشارکت کرده‌اند تشکر کنیم: از همهٔ استادان شرکت‌کننده

۱۰ تأملاتی در برهان ابن سینا، دکارت، و سوئینبرن بر اصالت نفس

به‌ویژه پروفیسور سوئینبرن برای استقبال خوب از بحث و گفت‌وگو و گشودگی در پذیرش نقدها و آرای مخالف؛ از نویسندگانی که با ارائه آثار خود در پدیدآمدن این دفتر ما را یاری کردند؛ از دکتر مرتضی مداحی و دکتر سید محمود موسوی برای به عهده گرفتن ترجمه خوب سخنان سوئینبرن به فارسی، و ترجمه سخنان شرکت‌کنندگان به انگلیسی؛ از همه دست‌اندرکاران پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، به‌ویژه حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر علیمحمد حکیمیان، ریاست وقت پژوهشگاه و حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر محمدباقر سعیدی روشن، ریاست کنونی پژوهشگاه؛ از آقای مهدی غلامی، رئیس گروه همکاری‌های علمی بین‌المللی که در برقراری ارتباط میان اطراف گفت‌وگو و برگزاری وینارها کوشید؛ از آقای محمد سلیمی رئیس روابط عمومی برای برقراری ارتباط در فضای مجازی؛ و از آقای دکتر محمدهادی توکلی، مدیر محترم گروه فلسفه و کلام و آقای حسن نصراللهی، کارشناس کوشای گروه برای همدلی‌ها و یاری‌ها.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه / گروه فلسفه و کلام

حسینعلی شیدان‌شید - علی شیروانی

بخش اوّل

– برهان‌های دکارت بر دوگانه‌انگاری جوهری

– استدلالی دکارتی برای دوگانه‌انگاری جوهری

فصل اول

برهان‌های دکارت بر دوگانه‌انگاری جوهری

کیث مَسَلین؛ تلخیص علی شیروانی^۱

از آنچه دکارت در آثار گوناگون خود، به‌ویژه تأملات و گفتار در روش، برای اثبات اصالت نفس و تأیید دوگانه‌انگاری جوهری^۲ موردنظر خود گفته، براهین گوناگونی قابل استنباط است. کیث مَسَلین^۳ در دو کتاب درآمدی به فلسفه ذهن (مَسَلین، ۱۳۸۸، ص ۶۵-۱۰۳) و فلسفه ذهن (همو، ۱۳۹۵، ص ۱۲-۲۲)^۴، درمجموع، از چهار برهان نام برده و آنها را شرح و بررسی کرده است: ۱. برهان تصوّرپذیری؛ ۲. برهان تقسیم‌پذیری؛ ۳. برهان شک؛ و ۴. برهان ادراک واضح و متمایز.^۵ آنچه سوئینبرن در مقاله خود به‌طور مستقیم به آن پرداخته و همان نیز در گفت‌وگو با او، مورد بررسی قرار گرفت، فقط برهان تصوّرپذیری

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

2. substance dualism

3. Keith Maslin

۴. هر دو کتاب با ترجمه مهدی ذاکری به فارسی منتشر شده است.

۵. وی برهان تصوّرپذیری را تنها در فلسفه ذهن، و برهان تقسیم‌پذیری را تنها در درآمدی به فلسفه ذهن، ولی دو برهان دیگر را در هر دو کتاب آورده است.

دکارت است (گرچه بسیاری از مباحث مربوط به آن درباره برهان‌های دیگر نیز به گونه‌ای قابل پیش کشیدن است). از این رو، برای آشنایی اجمالی خوانندگان با دیگر براهین دکارت بر اصالت نفس و روشن شدن جایگاه برهان تصویری در میان آنها، گزارشی کوتاه از سه برهان دیگر دکارت و نیز پیشینه تاریخی دوگانه‌انگاری جوهری را که به افلاطون می‌رسد، در آغاز این نوشتار می‌آوریم. این گزارش تلخیص ویرایش شده‌ای از فصل دوم درآمده به فلسفه ذهن (همو، ۱۳۸۸، ص ۶۵-۱۰۳) است.

۱. دوگانه‌انگاری جوهری و دوگانه‌انگاری ویژگی‌ها

مدّعی اساسی دوگانه‌انگاری جوهری این است که انسان مرکب است از دو هویت مستقل: یکی نفس یا ذهن غیرفیزیکی و دیگری بدن فیزیکی. شخص – صاحب آگاهی و، به طور کلی، صاحب تجربه – همان نفس است نه بدن. در طول حیات، بدن و نفس به نحوی به یکدیگر پیوند خورده‌اند، به گونه‌ای که هر یک می‌تواند بر دیگری تأثیر بگذارد؛ اما با مرگ، این پیوند قطع می‌شود: بدن از هم فرو می‌پاشد، ولی نفس شخصاً، مستقل از بدن، به وجودش ادامه می‌دهد. از آنجاکه دوگانه‌انگاری ادامه وجود اشخاص را پس از مرگ به صورت نامتجسد و غیرفیزیکی ممکن می‌شمارد، برای بسیاری از مردم – به ویژه کسانی که پیرو یکی از ادیان اند – آموزه جذّابی به نظر می‌رسد. مرگ فیزیکی پایان ما نیست: ما به عنوان آگاهی‌های محض در عالمی ورای عالم کنونی به وجود خود ادامه خواهیم داد. پس اساساً دلیلی برای ترس از مرگ وجود ندارد؛ زیرا مرگ به معنای نابودی نیست؛ بلکه صرفاً عبارت است از انتقال از حالتی از هستی به حالتی دیگر.

برهان‌های دکارت بر دوگانه‌انگاری جوهری ۱۵

در سنت فلسفی، نفس را از آن‌روکه هویتی است اصیل که می‌تواند با حفظ شخصیت خود، مستقل از هر چیز دیگری وجود داشته باشد، «جوهر» می‌نامند، و اصطلاح دوگانه‌انگاری جوهری نیز از همین جا ناشی شده است. دوگانه‌انگاری جوهری در برابر دوگانه‌انگاری ویژگی‌ها^۱ قرار دارد که می‌توان آن را گونه ضعیف‌تری از دوگانه‌انگاری به‌شمار آورد. دوگانه‌انگاری ویژگی‌ها وجود نفس را به‌عنوان ذاتی مستقل و اصیل و غیرمادی انکار می‌کند و به‌جای آن معتقد است که مغز، که یک شیء فیزیکی مرکب است، واجد دو نوع ویژگی اساساً متفاوت است: یکی ویژگی‌های ذهنی و دیگری ویژگی‌های فیزیکی شناخته‌شده، نظیر جرم، رنگ، و بافت.

۲. دوگانه‌انگاری افلاطونی

افلاطون یکی از شارحان اصلی دوگانه‌انگاری بود. هرچند او مبدع این نظریه نبود؛ اما تا جایی که ما می‌دانیم او اولین کسی است که استدلال‌های مکتوبی به نفع آن ارائه کرده است. افلاطون نه تنها به بقای نفس پس از مرگ، بلکه به وجود آن پیش از تولد نیز معتقد بود؛ و علی‌القاعده، نفس در آن حال با مثل، یعنی با ذوات کامل و بی‌زمان و تغییرناپذیری که به اعتقاد افلاطون، نمونه‌ها یا الگوهای اصلی اشیا هستند، آشنا بوده است. مثل در عالم خاص خودشان که فراتر از عالم محسوسات است، وجود دارند و فقط عقل است که پس از آموزش جدی در ریاضیات و فلسفه، می‌تواند آنها را درک کند.

افلاطون ادعا می‌کرد اشیا معمولی، ناقص، متغیر، و فسادپذیری که ما در اطرافمان می‌بینیم به‌واسطه بهره‌مندی از مثال‌های خودشان است که انواع چیزهایی

۱. برای بحث مستوفایی درباره دوگانه‌انگاری ویژگی‌ها، ببینید: جاکت، ۱۹۹۴.

شده‌اند که هستند. مثلاً همان‌طور که اشیای جزئی بسیاری وجود دارند که زیبایی را به نمایش می‌گذارند، مثالِ زیبا، یعنی خود زیبایی، هم وجود دارد که اشیای ناقصِ عالمِ محسوسات به سببِ آن زیبا شده‌اند. به اعتقاد افلاطون، نفس در اینکه «الهی، فناپذیر، معقول، یکنواخت، تجزیه‌ناپذیر، نامتغیر، و نسبت به خودش ثابت است» (افلاطون، ۱۹۶۱، ۸۰ الف-ب)، شبیه مُثُل است. این توصیف از نفس برگرفته از فایدون است. فایدون محاوره‌ای است که افلاطون در آن استدلال‌های گوناگونی برای اثبات وجود نفس اقامه می‌کند. در بسیاری از این استدلال‌ها، افلاطون به روشنی نفس را هویتی غیرفیزیکی، و شخص را با نفس یکی می‌داند.

۳. استدلال افلاطون برای دوگانه‌انگاری

افلاطون استدلال‌های متعددی در دفاع از دوگانه‌انگاری جوهری دارد؛ از جمله استدلالی که در محاورهٔ آلکیبیادس کوچک ارائه شده است.^۱ استدلال از این قرار است: سقراط از آلکیبیادس می‌پرسد که آیا در سخن گفتن از کلمات استفاده می‌کنی یا نه؛ و او بی‌درنگ پاسخ مثبت می‌دهد. سپس سقراط مثال‌های متعدّد دیگری را برمی‌شمارد که برای اثباتِ این نتیجه طراحی شده‌اند که استفاده‌کننده از یک چیز (مثلاً کفاش) و چیزی که او از آن استفاده می‌کند (مثلاً ابزار بُرش) از حیث تعداد متفاوت از یکدیگرند. باز آلکیبیادس با کمال میل موافقت می‌کند. سپس سقراط خاطر نشان می‌کند که انسان نه تنها از دستان، بلکه از بدنش نیز استفاده می‌کند و بنابراین، درست همان‌طور که شخصی که از ابزاری استفاده می‌کند از آن ابزار متمایز است، باید از بدنش نیز متمایز باشد.

۱. استدلال‌های دیگر را می‌توان در فایدون، منون و جمهوری یافت. توضیح و نقد خوبی از آنها را هم می‌توان در این دو اثر دید: فلو، ۱۹۷۱؛ پرست، ۱۹۹۱.

خلاصه این استدلال به شکل صوری چنین است:

۱. استفاده‌کننده از یک چیز و چیزی که از آن استفاده می‌شود از حیث تعداد دو شیء متفاوت و متمایز، یعنی دو جوهر هستند.

۲. هر شخص از بدنش استفاده می‌کند.

۳. بنابراین، هر شخص باید از حیث تعداد متفاوت و متمایز از بدن خودش باشد. اما اگر هر شخصی متفاوت از بدن خود است، آن شخص باید جوهری غیرفیزیکی، یعنی یک نفس باشد.

نقد و بررسی. اگر چیزی که از آن استفاده می‌شود وسیله‌ای مانند چاقو یا تیشه باشد، صدق مقدمه اول را به یقین و وضوح می‌توان پذیرفت. اما درست است که ما می‌گوییم مردم از اعضا و جوارح و بدن‌هایشان استفاده می‌کنند، ولی آیا به همان معنا از آنها استفاده می‌کنند که از یک وسیله یا ابزار استفاده می‌کنند؟ به نظر می‌رسد در اینجا با لفظ «استفاده کردن» بازی شده است.

ازاین گذشته، ممکن است به کسی بگویند: این قدر تنبل نباش و از ذهنت استفاده کن؛ یعنی عقلت را برای حل یک مسئله به کار بینداز؛ اما آیا این کاربرد را می‌توان ثابت‌کننده آن دانست که شخص کاملاً با ذهنش فرق دارد؟

باید پرسید آیا مردم همان نسبتی را با بدن و اعضا و جوارحشان دارند که با ابزار و آلات نجاری و خیاطی دارند؟ یکی از دلایل اینکه چنین چیزی نمی‌تواند درست باشد این است: وقتی از چاقویی استفاده می‌کنم با برداشتن و در دست گرفتن آن این کار را انجام می‌دهم؛ اما وقتی از دستم استفاده می‌کنم لازم نیست آن را بردارم و نگه دارم؛ بلکه صرفاً آن را حرکت می‌دهم. به تعبیر دیگر، من می‌توانم دستم را حرکت دهم بدون اینکه لازم باشد ابتدا کار دیگری انجام دهم؛ اما در مقابل، نمی‌توانم مستقیماً یک ابزار را حرکت دهم؛ بلکه باید به وسیله کار دیگری،

از قبیل گرفتن در دست یا دهان، فوت کردن، و کوبیدن، آن کار را انجام دهم. من نمی‌توانم به نحوی که اعضا و جوارح را حرکت می‌دهم آن ابزار را حرکت دهم. این مطلب به وضوح نشان می‌دهد نسبتی که من با اعضا و جوارح و بدنم دارم همان نسبتی نیست که من با ابزار مورد استفاده‌ام دارم.

در ادامه می‌گوییم: اگر در حین کار چاقو بلغزد و دستم را ببرد، معمولاً آنچه را رخ داده این‌گونه توصیف می‌کنیم که من به خودم صدمه زده‌ام. این از آن جهت است که دست من جزئی از من است؛ اما واضح است که در مورد چاقو چنین نیست. در مقابل، یک دوگانه‌انگار متعهد باید اصرار کند که این نحوه معمولی توصیف آنچه رخ داده، خطاست. توصیفی که دوگانه‌انگار ترجیح می‌دهد باید این‌گونه باشد که صدمه به بدن من وارد شده، نه به من؛ زیرا من در واقع، یک نفس مجرد هستم. به علاوه، اشیای فیزیکی مانند چاقو نمی‌توانند صدمه‌ای به امور غیرفیزیکی نظیر نفس وارد کنند. اما اصرار دوگانه‌انگار را بر این توصیف از آنچه رخ داده می‌توان صرفاً مصادره به مطلوب دانست. این مدعا که یک شخص از اعضا و جوارح و بدنش به همان نحوی استفاده می‌کند که از ابزار و آلات استفاده می‌کند نیز جانبدارانه است.

هنگامی که تشخیص دهیم استدلال افلاطون در واقع، شامل یک مبهم‌گویی یا بازی با کلمه «استفاده کردن» است، درمی‌یابیم خطای آن کجاست. در استعمال حقیقی، استفاده‌کننده از یک چیز و چیزی که از آن استفاده می‌شود دو امر متفاوت‌اند، در صورتی که یک شخص و بدنش دو هویت متفاوت نیستند (مگر اینکه از ابتدا صدق دوگانه‌انگاری را فرض بگیریم). در نتیجه، من به همان معنا که از یک ابزار استفاده می‌کنم از دست‌ها یا بدنم استفاده نمی‌کنم. حرکت یک ابزار نتیجه کار دیگری است که ابتدا انجام می‌دهم؛ اما وقتی دست یا بدنم را حرکت